

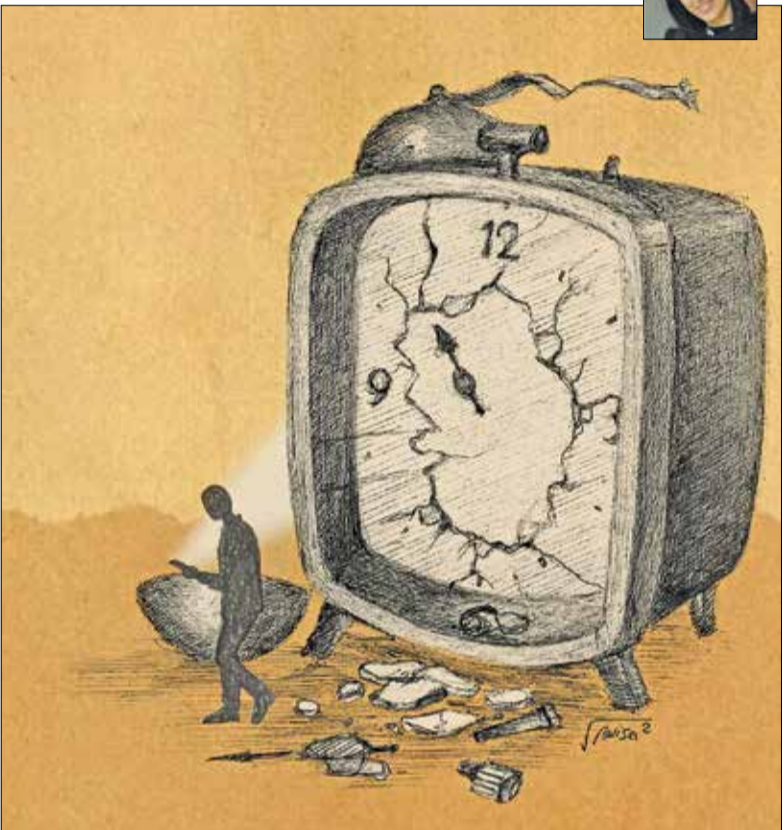
پیامبراکرم(ص): خوشبخت کسی است که سرای باقی را که نعمتش پایدار است بر سرای فانی که عذابش بی پایان است برگزیند و از آنچه در اختیار دارد برای سرایی که به آنجا می رود پیش فرستد قبل از آن که آنها را برای کسی بگذارد که او با اتفاق آن خوشبخت می شود ولی خودش با گردآوری آن (دارایی‌ها) بدبخت شده است. **اعلام‌الدین فی صفات‌المؤمنین ص ۲۴۵**

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پيامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
مخدوق پست: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه جام چم پرتز برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه اینزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵-۶
http://irannewsaper.ir

نگاره



پرتره نور الهیی



#ترامپ

هشتگ

دروغ‌پردازی می‌خواندند، قطع واز ادامه پخش آن خودداری کردند»، «اگر ترامپ ببازد، این باخت به طرز بیدی دارد رخ می دهد. خالی کردن پشت اواز طرف هم جزئی‌هایش، او را بشدت می شکند.»، «به نظرم در انتخابات امریکا تقلب نشده، ترامپ صرفاً جنبه‌باخت‌نداره‌وگرنه‌اختلاف‌رای‌توایالت‌هایی‌که دارد می‌بازه همون عددیه که باهانش اون ایالت‌ها رو ۴ سال پیش برده بود ولی دموکرات‌ها مثل خودش کولی بازی درنیاوردن»، «مردک مثل این بچه‌هایی که‌توی‌بازی‌جنبه‌باخت‌نداردن‌غر می‌زنه»، «ترامپ بهم‌چالبه، توایالت‌هایی‌که عقب هست میگه بشمارید مثل آریزونا، توایالت‌هایی‌که جلو هست میگه نشمارید مثل پنسیلوانیا. ولی در کل به نظر سخترانی او را قطع کردند نوشتند: «ترامپ میگه شمردن رای‌ها رو متوقف کنبد، خب بدبخت‌اگه متوقف کنن هم که باختی! بشمارن باختی نشمارن



هم باختی»، «الحظه‌ای یگانه که نشان می دهد چرا ارزش آزادی رسانه در امریکا این همه ستایش میشود. امشب MSNBC ناگهان از پخش سخنان ترامپ به دلیل دروغ‌پردازی خودداری کرد و مجری گفت نه تنها در این لحظه قطع، بلکه آن را تصحیح نیز می‌کنیم. چنین قدرت و آزادی برای یک رسانه ر شک‌برانگیز است.»، «چه حال بدی داشت ترامپ. او همیشه سخنان پرانرژی و سرحال بود اما این بار خسته، از رو نوشته، تکرار جملات، حداقل هر جمله را ۶ بار تکرار می‌کرد. آخرسر هم با حال بدی راه رفت و خارج شد. به نظم حتی طرفدارهایش را نمی‌توانست با این سخنرانی قانع کرده و به هیجان آورد.»، «اتفاقی بی سابقه برای یک رئیس جمهور در ایالات متحده: شبکه ABC، CBS، MSNBC، پخش زنده سخنان ترامپ را به دلیل آنچه آن را

پوتین می‌رود؟

خبر دیگری هم که دیروز

ماجر ا

احتمال کناره‌گیری ولادیمیر پوتین از قدرت به دلیل ابتلا به بیماری پارکینسون- خبری که دیلی میل انگلیس منتشر کرد، هر چند کرملین این خبر را تکذیب کرد ولی در شبکه‌های اجتماعی و خارج شد. به نظرم چقدر هیجان‌ها ز آن به عنوان دیگر اتفاق عجیب سال ۲۰۲۰ یاد کردند: «ولادیمیر پوتین به پارکینسون مبتلا شده و ژانویه ۲۰۲۱ از قدرت خداحافظی می‌کند. اخیرا تصاویری از «پاهای لرزان» پوتین هنگام نشستن روی صندلی منتشر شد؛ همچنین رئیس جمهوری روسیه نتوانست درست «خودکارش» را در دست بگیرد. او دیگر نشانه‌های بیماری عصبی پارکینسون را هم دارد «باورم نمیشه پوتین پارکینسون گرفته و اوایل سال ۲۰۲۱ استعفا

ساخت سردیس را به حرفه‌ای‌ها بسپارد

احترام‌برومند: به‌طور کلی برخی از این سردیس‌ها به‌صاحبان‌شان شباهتی ندارند. در حالی‌که لازم‌است شخصیت آن چهره در سردیس‌او کاملاً مشهود باشد چراکه هر شخصیتی ویژگی‌های خاصی دارد که در چهره‌اش نمایان است و می‌تواند نگاه، لبخند یا خم آن چهره خاص باشد. لازم‌است ساخت سردیس و مجسمه چهره‌ای شاخص به هنرمندان توانمند سپرده شود و مایه خوشحالی است که هنرمندان جوان در این زمینه دست به کار شوند اما به این شرط که پروسه‌ای حرفه‌ای شکل بگیرد و از مشورت و کمک استادان مجسمه‌سازی و هنرهای تجسمی، استفاده کنند. نمی‌دانیم ساخت سردیس‌ها بر چه اساسی به مجسمه‌سازان سپرده می‌شود اما ای کاش بر اساس عقله، نزدیکی و احساس خاص آن مجسمه‌ساز به آن هنرمند صورت بگیرد. هنوز هم برای جبران اشتباه دیر نشده و می‌توان بعضی از این سردیس‌ها را که شبیه صاحبان‌شان نیستند، کنار گذاشت و مجدداً ساخت آنها را به کسانی سپرد که از کارشان مطمئن هستند. خوب‌است مسئولان این امر از نظرات مشاوران خود استفاده کنند و سردیس‌های جدیدی با تأمل و وسواس بیشتر بسازند. هر زمان که آدمی در پی اصلاح اشتباهش بر بیاید، نه تنها ایرادی ندارد، بلکه خیلی هم خوب است.

واکنش احترام برومند به سردیس هنرمندان در گفت‌وگو با خبرنگار ایستا

روایت: احترام برومند به سردیس هنرمندان در گفت‌وگو با خبرنگار ایستا



خواننده آواز ایرانی

روزمرگی



خواننده آواز ایرانی

۱۰ ماه از شیوع کرونا و تعطیل شدن فعالیت‌های اجرایی موسیقی می‌گذرد. فعالیت‌های آموزشی تیم‌بند شده و عمدتاً به صفحات موبایل و رایانه منتقل شده‌اند. وضعیت نشر موسیقی، گردهمایی‌های مرتبط با آن و مهم‌تر از همه کنسرت‌ها به عنوان مهم‌ترین راه ارتباطی هنرمند و مخاطب به حال تعطیل درآمده‌اند و صرف‌نظر از زیان‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی که به بدنه هنر و هنرمندان شاغل در موسیقی وارد آمده، زیان‌های فرهنگی بزرگی نیز ایجاد شده که صدای ناهنجارش بعدها درمی‌آید. اما با وجود تمامی این اتفاقات چه می‌توان کرد که چرخ لنک موسیقی ایرانی، که سالیان درازی است به واسطه اتفاقات و افراد گوناگون رو به شکستگی گذاشته، لااقل در همان وضع سابق بماند و تن نیمه جان موسیقی، فعلاً بتواند نفس بکشد؟ برگزاری کنسرت‌های آنلاین یا کنسرت‌هایی با تماشاجی معدود و در مکان‌های ایمن – شامل سالن‌های بزرگ یا محوطه‌های باز – نخستین

اتفاقی است که هر کسی می‌تواند به آن فکر کند. بسیار خب! فکر کردن به این اتفاق امری است آسان، اما عزم اجرایی کردنش کاری دشوار و نیازمند بررسی و برنامه‌ریزی محکم و بدون درز است. پس از مجموعه کنسرت‌هایی که توسط بنیاد رودکی در تالار رودکی برگزار شد و اتفاقاً بر اساس آمار، تعداد قابل توجهی از علاقه‌مندان موسیقی به تماشای

صنعت نشر و تحولات اجباری

یادداشت

روایت: احترام برومند به سردیس هنرمندان در گفت‌وگو با خبرنگار ایستا



روزنامه‌نگار

پیشرفت و بهینه‌سازی فرآیندهای تولید و خدمات‌رسانی متناسب با تازه‌ترین دستاوردهای بشری در حوزه تکنولوژی و مندهای روز، یک قاعده کلی است که در هر کسب‌وکار و صنعتی عمومیت دارد

اما گاهی ارتقا و تحول، دیگر یک انتخاب نیست؛ بلکه یک ضرورت است که حفظ بقا و استمرار فعالیت‌ها، تنها در سایه پذیرفتن آن میسر می‌شود. درواقع به‌دلیل وقوع برخی رویدادها که به تغییر زمینه‌ها و شرایط در یک مقطع زمانی می‌انجامد، پذیرش وضعیت موجود و واکنش به‌موقع، با رویکرد هم‌سو شدن با شرایط جدید، امری ناگزیر می‌نماید. چندماهی می‌شود که جهان‌یان، از هر ملیت و هر زبانی، با یک عامل تغییر مهم مواجه شده‌اند که بدون شک می‌توان آن را در ردیف عواملی چون جنگ‌های جهانی قرار داد؛ عاملی به‌نام «پاندمی کرونا».

در روبرویی با شیوع ویروس کووید۱۹، صنعت نشر نیز به‌عنوان یک جبهه فرهنگی-اقتصادی ویژه در اتسفر مسائل اجتماعی کشورهای مختلف، دستخوش شرایط ویژه‌ای شد. کاهش مراجعه به کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها، افت آمارهای فروش فیزیکی کتاب، لغو رویدادهای بین‌المللی همچون نمایشگاه‌های کتاب، به تعویق افتادن جلسات مشارکت و واگذاری نشر در سطوح بین‌المللی و چندین‌وچند تغییر اجباری دیگر، شرایط را برای این صنعت، سخت و سخت‌تر کرده‌است. قدر مسلم است که در این روبرویی، آنها که آماده‌تر بودند و با اصلاح و به‌روزرسانی فرآیندهای قدیمی، به راهکارهای دوران‌دیشانه‌تر اکتفا داشتند، در پذیرش هماهنگ شدن با شرایط پیش آمده، با مشکلات و خسارت‌های کمتری روبه‌رو شدند اما ضرورت تغییر و تحول برای سیستم‌های سنتی‌تر، بیش از پیش محسوس می‌شود.

اگر نشر الکترونیک کتاب‌ها، تا پیش از این یک انتخاب ساده و چه‌بسا

ناکارآمد و بی‌ اثر قلمداد می‌شد، با وضع پروتکل‌های بهداشتی و پایین آمدن

آمار خریدهای حضوری و چهره‌به‌چهره، در حال تبدیل شدن به یک ضرورت و

پیش‌فرض برای استمرار فعالیت است. اگر تا پیش از این، ایجاد سامانه‌های

ثبت سفارش و فروش در فضای مجازی، یک امکان تلقی می‌شد؛ امروز

کتابفروشان باسابقه نیز ضرورت ورود به این حوزه را با پوست و استخوان حس

کرده‌اند.

درمجموع می‌توان این باور را تصدیق کرد که کرونا، نه‌تنها ضرورت‌های خاص خودش را بر جوامع و لایه‌های مختلف اجتماعی دیکته کرده‌است؛ بلکه ضرورت‌های زمینه‌ای دیگری را نیز که تاکنون کمتر به آنها توجه می‌شد، این بار با قطعیت بیشتری مطرح می‌کند. اگر بخواهیم یک دسته‌بندی کلی از این عوامل داشته باشیم، شاید بشود به تفکیک سنتی یا مدرن بودن بسنده کرد. عبور از محدودیت‌های سنتی و فرآیندهای مبتنی بر سنت و عرف در بازار کتاب، در در دوره‌ای به‌عنوان یک مطالبه جدی، مطرح بوده اما به‌نظر می‌رسد امروز دیگر دل‌کنش از شاخصه‌ها و رویه‌های سنتی در این حوزه و تجربه کردن راهکارها و مسیرهای تازه، برای یک‌تک حلقه‌های فعال در این صنعت، حکم شرط بقا را دارد. این وضعیت را می‌توان در نیاز مفرط به ارزیابی بازار، مخاطب‌شناسی و نیازسنجی گروه‌های مختلف مخاطبان، به وضوح دنبال کرد. دیگر دوره گرینش‌های عرفی و سرمایه‌گذاری‌های بی‌محابا گذشته است و ناشری که بخواهد همچنان بر پایه تصورات و حدسیات خود از بازار، به انتشار عناوین و تعیین شمارگان برای آنها دست بزند، محکوم به شکست است. این مصداق را می‌توان به سایر فرآیندهای دخیل در تولید کتاب نیز تسری داد؛ مثلاً فرآیند قیمت‌گذاری کتاب که همیشه به فرمول‌های عرفی انجام می‌شد، امروز نیازمند فرآیندهای به‌روز و جدی در قالب حسابرسی‌های صنعتی و مطالعه بازار است. دیگر وقت آن رسیده که ناشران بخش روابط‌عمومی را به دایر مرکز نشر خود اضافه و با استخدام مشاوران در حوزه تبلیغات و بازاریابی، ارکان نشر خود را دستخوش تغییر و تحول کنند. ورود بخش قابل توجهی از ناشران به حوزه تولید محتوا و تبلیغات که در قالب‌هایی چون تولید و انتشار ویدیو، تیزر، کلیپ و... در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی قابل رهگیری است، گواه روشنی است بر این ضرورت.

حتماً در مواجهه با بحران‌های مختلف -و بحران جاری کرونا- با تعابیر امیدبخشی همچون تبدیل تهدید به فرصت یا باز شدن یک در رستگاری به‌دنبال بسته شدن هزارویک درو... بر خورد داشته‌اید. این رفتار قابل تحسین، در فرهنگ ایران و ایرانی نهادهین شده و چه خوب که در شرایط کنونی نیز از آنها بی‌ بهره‌نماییم؛ حالا که کرونا به انحای مختلف، راه را بر ما بسته و شرط و شرایط پیچیده و دشواری را بر ای تاوأم و بقا تعریف کرده‌است، چه‌بسا پذیرش این شروط به قیمت متحمل کردن فرآیندهای مستهلک و زیانده، حکم همان فرصتی را داشته باشد که باید آن را از دل تهدیدها بیرون کشید؛ تحول به شرط پیشرفت؛ به شرط بقا.

برنامه ملی برای نجات موسیقی

آن نشستند، تقریباً هیچ اتفاق دیگری در حوزه موسیقی اصیل ایرانی رخ نداده است. ۱۰ ماه گذشته و تنها یک مجموعه کنسرت شامل ۵ اجرا برای موسیقی اصیل ایرانی توسط بنیاد رودکی برگزار شده که آماری اسفناک است. واقعیت این است که پولی برای این امور وجود ندارد – نه آنکه کلاً پول وجود ندارد – غول گسترده‌گی ادارات و نیروهای اداری عمدتاً غیرلازم در اکثر حوزه‌ها و عدم مدیریت در عمده حوزه‌ها، عدم تشخیص اولویت‌های فرهنگی حتی از سوی اکثریت مدیران فرهنگی و خرج پول در جاهایی غیر مرتبط، تقریباً تمامی بودجه‌های مرتبط با اصل و اصالت هنر را بلعیده است. این سخنان را بارها نگارنده مطرح کرده و صد البته تنها به سخن کاری برنمی‌آید، اما شاید بتوان با تجمع نظرات این چنینی، مقدمه‌ای را برای برنامه‌ریزی در چنین حوزه‌هایی تدوین کرد و لااقل به صرف منابع در حوزه‌های مرتبط اندیشه کرد. هرگونه حرکت مقطعی در این راستا هرچند که در جای خود ارزشمند است، اما این اقدامات مستعجل دیری نمی‌پایند و دوباره گریبان موسیقی ایرانی را می‌گیرد... موسیقی ایرانی راهی ندارد جز آنکه یک برنامه ملی به نجاتش بیاید. در این برنامه ملی، تمامی تمهیدات برای برگزاری کنسرت‌ها، برای اشاعه و تولید، برای حمایت از هنرمندان و برای توسعه کار در هنر موسیقی باید به دقت و شفافیت تبیین و توجیه شود...

پی نوشت: بودجه‌ای که برای کنسرت‌های آنلاین موسیقی ایرانی در سه ماه گذشته تخصیص داده شد، مساوی با بهای یک متر آیارتمان در سعادت آباد تهران است....

شماره جدید «فصلنامه تئاتر» منتشر شد

هفتاد و هشتمین شماره «فصلنامه علمی پژوهشی تئاتر» را سردبیری سیدمصطفی مختایدار زیر نظر دفتر پژوهش و انتشارات نمایش منتشر شد. در شماره هفتاد و هشتم فصلنامه «علمی- پژوهشی تئاتر» شش مقاله به چاپ رسیده که به عنوان مثال پیام فروتن یکتا و مولود رضوانی درباره نقش واقعیت مجازی و افزوده در طراحی صحنه تئاتر و اینکه آیا فناوری دیجیتال باعث ارتقا و رشد تئاتر و صحنه‌پردازان آن می‌شود؟ نوشته‌اند و رضا دادویی، یعقوب آژند و حمیدرضا بُسحاق هم درباره مفهوم هویت در نمایشنامه «آی‌باکلاه، آی‌بی‌کلاه» اثر غلامحسین ساعدی از منظر تئوری بزرتاب‌مقاله‌ای را قلمی کرده‌اند. «شخصیت پردازی غیرمستقیم» صدقهرمانان در فرآیند اقتباس از اسطوره «الکترا» (در تراژدی‌های آیسخولوس، سوفوکل و اورپید) را هم عطالله کویا و صبوره رنگرز نوشته‌اند و فاطمه (آتوسا) راستی‌یگانه مقاله‌ای از اسلاوی ژیزگ ترجمه کرده با عنوان مطالعه رویکرد انتقادی و اصلاح‌گرایانه درام گروتسک در نمایشنامه «به پهنه دریا». بررسی جامعه‌شناسانه نمایشنامه «آهسته با گل سرخ» اثر اکبر رادی با تکیه بر آرای لوسین گلدمن به نویسندگی نیلوفر رازخ و اعظم راودارد، مطالعه تعزیه زنانه؛ نخستین تجربه‌های نمایش زنان ایرانی به نویسندگی دکتر حسن ذوالفقاری مسلم نادعلی زاده بخش‌های دیگری از فصلنامه تئاتر هستند که می‌توان گفت مجموعه‌ای قابل مطالعه و تأمل را پیش روی مخاطبان و علاقه‌مندان خاص تئاتر قرار داده است. شماره ۷۸ «فصلنامه تئاتر» ویژه پاییز ۱۳۹۸ و با بهای دوازده هزار تومان برای علاقه‌مندان حوزه تئاتر منتشر و توزیع شده است.



حکم شرط بقا را دارد. این وضعیت را می‌توان در نیاز مفرط به ارزیابی بازار، مخاطب‌شناسی و نیازسنجی گروه‌های مختلف مخاطبان، به وضوح دنبال کرد. دیگر دوره گرینش‌های عرفی و سرمایه‌گذاری‌های بی‌محابا گذشته است و ناشری که بخواهد همچنان بر پایه تصورات و حدسیات خود از بازار، به انتشار عناوین و تعیین شمارگان برای آنها دست بزند، محکوم به شکست است. این مصداق را می‌توان به سایر فرآیندهای دخیل در تولید کتاب نیز تسری داد؛ مثلاً فرآیند قیمت‌گذاری کتاب که همیشه به فرمول‌های عرفی انجام می‌شد، امروز نیازمند فرآیندهای به‌روز و جدی در قالب حسابرسی‌های صنعتی و مطالعه بازار است. دیگر وقت آن رسیده که ناشران بخش روابط‌عمومی را به دایر مرکز نشر خود اضافه و با استخدام مشاوران در حوزه تبلیغات و بازاریابی، ارکان نشر خود را دستخوش تغییر و تحول کنند. ورود بخش قابل توجهی از ناشران به حوزه تولید محتوا و تبلیغات که در قالب‌هایی چون تولید و انتشار ویدیو، تیزر، کلیپ و... در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی قابل رهگیری است، گواه روشنی است بر این ضرورت.

حتماً در مواجهه با بحران‌های مختلف -و بحران جاری کرونا- با تعابیر امیدبخشی همچون تبدیل تهدید به فرصت یا باز شدن یک در رستگاری به‌دنبال بسته شدن هزارویک درو... بر خورد داشته‌اید. این رفتار قابل تحسین، در فرهنگ ایران و ایرانی نهادهین شده و چه خوب که در شرایط کنونی نیز از آنها بی‌ بهره‌نماییم؛ حالا که کرونا به انحای مختلف، راه را بر ما بسته و شرط و شرایط پیچیده و دشواری را بر ای تاوأم و بقا تعریف کرده‌است، چه‌بسا پذیرش این شروط به قیمت متحمل کردن فرآیندهای مستهلک و زیانده، حکم همان فرصتی را داشته باشد که باید آن را از دل تهدیدها بیرون کشید؛ تحول به شرط پیشرفت؛ به شرط بقا.

از آنجا که عادت همه چیز را ضعیف می‌کند، آنچه از همه بهتر ما را به یاد کسی می‌اندازد درست آن چیزهایی است که بی‌اهمیت دانسته فراموش کرده‌ایم و در نتیجه همه نیرویشان را برایشان باقی گذاشته‌ایم. بدین‌گونه، بهترین بخش حافظه ما بیرون از ماست.

۱۷آبان

به نام تاریخ

۲۳۳ روز از سال گذشته است و بد نیست در این چند روز پر خبر و پر التهاب با مرور زندگی و آثار چهره‌های فرهنگی و هنری ایران و جهان کمی حال و هوایمان را عوض کنیم.

تولدها

آلبر کامو: نویسنده و فیلسوف مشهور جهان سال ۱۹۱۳ در چنین روزی به دنیا آمد. آلبر کامو پس از گرفتن لیسانس فلسفه مدتی به عنوان خبرنگار در روزنامه‌های مختلف کار کرد و مقاله‌هایی علیه استعمارگران نوشت. سال ۱۹۴۲ اولین اثرش را به نام «بیگانه» منتشر کرد که مشهورترین اثرش هم محسوب می‌شود و کتاب پر فروش‌ی هم بود. اما «طاعون» دومین اثر او که در سال ۱۹۴۷ منتشر شد پر فروش‌ترین کتاب سال فرانسه لقب گرفت. پس از آن نمایشنامه «عادل‌ها» را نوشت و سال ۱۹۵۱ هم اولین اثر فلسفی‌اش را با نام «انسان طاقی» منتشر کرد. کتاب‌های «سقوط»، «مرگ خوش» و «آدم اول» و نمایشنامه‌های «کالیگولا»، «مرثیه‌ای برای راهب»، «سوء تفاهم»، «حکومت نظامی»، «دادگستران» از آثار مشهور آلبر کامو است. او مقاله فلسفی «افسانه سیزف» را هم در سال ۱۹۴۲ نوشت و منتشر کرد که جریان‌ساز شد. کامو سال ۱۹۵۷ جایزه نوبل ادبیات را گرفت و سال ۱۹۶۰ درگذشت.

هادی اسلامی: بازیگر سینما و تلویزیون ایران سال ۱۳۱۸ متولد شده بود. هادی اسلامی از دبیرستان تئاتر بازی می‌کرد و پس از پایان دبیرستان نمایشنامه «زیرگذر لوطی صالح» را نوشت و کارگردانی کرد که موفقیت زیادی برایش همراه داشت. پس از فارغ التحصیلی از دانشکده تئاتر در نمایش «روسری قرمز» بازی کرد و کارش به صورت جدی آغاز شد. او تا زمان انقلاب اسلامی در تئاتر بازی می‌کرد و از سال ۱۳۵۸ با فیلم «دست شیطان» کار در سینما را هم آغاز کرد. پس از آن هادی اسلامی در فیلم‌های «موج طوفان»، «مرگ سفید»، «ملخ زدگان»، «مترسک»، «اتوبوس»، «آوار»، «جهیزیه‌ای برای رباب»، «شاخه‌های بید»، «خواستگاری»، «دل نمک»، «ساده لوح» و «مستاجر» بازی کرد که برای بازی در فیلم «اتوبوس» جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد را از جشنواره فیلم فجر گرفت. او در سریال‌های «هشت بهشت»، «روزگار وصل» و «سمک عیار» هم بازی کرده بود و بازی‌اش در «مرغ حق» در نقش سید حسن مدرس بسیار مورد توجه قرار گرفت. اسلامی سال ۱۳۷۲ درگذشت.

❖ **هرمز وحید** گرافیس‌ت و پیشگام کتاب‌آرایی در ایران، **سعید امیرسلیمانی** بازیگر، **حسین کریمان** نویسنده و لغت‌شناس، **پانولو تاوایانی** فیلم‌ساز ایتالیایی، **پیتر وایس** نمایشنامه‌نویس آلمانی، **مرتضی امیری اسدنفقه** شاعر، **فرهاد اکبرآده** داستان‌نویس، **ابوالقاسم مبرهن** داستان‌نویس و **شهرام شکیبیا** طنزپرداز و مجری هم متولد امروز هستند.

درگذشت‌ها

محمدعلی جمالزاده: پدر داستان کوتاه فارسی سال ۱۳۷۶ در چنین روزی درگذشت. محمدعلی جمالزاده سال ۱۲۷۰ به دنیا آمد و می‌شود گفت بیشتر زندگی او در خارج از ایران گذشت اما او اشراف کاملی بر زبان و ادبیات فارسی داشت که همین باعث موفقیت آثارش شد. سال ۱۳۰۰ اولین کتابش با نام «یکی بود، یکی نبود» منتشر شد که یکی از داستان‌های آن یعنی «فارسی شگراست» را نخستین داستان کوتاه فارسی به شیوه غربی می‌دانند. پس از آن داستان‌های «عمو حسینیعلی»، «سرو ته به کرباس»، «دارالمجانین»، «صدوقچه اسرار»، «فلخ و شیرین»، «قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش دار»، «صحراهای محشر» و «هفت کشور» را نوشت و منتشر کرد. جمالزاده کتاب‌هایی در زمینه تاریخ و ادبیات مانند «گنج‌شایان»، «تاریخ روابط روس با ایران»، «یابگ‌نا»، «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» و «فرهنگ لغات عوامانه» و آثاری سیاسی و اجتماعی مانند «آزادی و حیثیت انسانی»، «خاک و آدم»، «خلقات ما ایرانیان» و «تصویرن در فرهنگ ایران» دارد.

استیومک کوئین: بازیگر امریکایی سال ۱۹۷۰ درگذشت. استیومک کوئین متولد سال ۱۹۳۰ بود و پس از تحصیل در رشته بازیگری و تبدیل شدن به یک موتورسوار حرفه ای در فیلم‌هایی مانند «کسی آن بالا را دوست دارد»، «هیچ وقت یک غریبه را دوست نداشته باش» و «حیاب» بازی کرد اما او با بازی در فیلم وسترنی «سروش‌ت ولز فارگو» به شهرت رسید و در سال ۱۹۶۰ با بازی در فیلم «هیچ وقت که نرو» تحسین شد. «هفت دلاور» و «فرار بزرگ» دیگر آثار موفق استیومک کوئین بودند و با بازی در «نواد اسمیت» جایزه اسکار را گرفت. او با بازی در فیلم «گریز» گران ترین بازیگر جهان شد و پس از آن بازی‌اش در «پایپون» مورد تحسین قرار گرفت.

❖ **کریم کشاورز** مترجم و داستان‌نویس، **محسن آراسته** بازیگر، **لئونارد کوهن** خواننده و ترانه‌سرای کانادایی، **رضا حاجیان** **هنرور** و **مجید اوجی** نویسنده و تهیه‌کننده هم در چنین روزی درگذشتند.



فیلم «مردی بدون سایه» ساخته علیرضا نژیسان در جشنواره‌های بارسلونا و مالزی به نمایش درمی‌آید. هشتمین دوره جشنواره فیلم‌های آسیایی بارسلونا از دیروز شروع شد و «مردی بدون سایه» در بخش نمایش‌های ویژه این جشنواره حضور دارد. در جشنواره بین‌المللی فیلم مالزی هم که از ۱۵ تا ۲۰ آذر ماه برگزار می‌شود این فیلم در بخش سینمای جهان رقابت می‌کند.

عکس نوشت